

تاریخچه اسناد تجاری در فقه اسلامی؛ سیر تحول و مبانی فقهی

محمد محمدی^۱

چکیده

پژوهش حاضر به این پرسش می‌پردازد که اسناد تجاری چگونه در فقه اسلامی شکل گرفته، چه سیر تحولی را پیموده و بر چه مبانی فقهی استوار شده‌اند. این مطالعه با روش توصیفی - تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای، به بررسی پیشینه تاریخی نهادهایی چون حواله، برات و صک در متون فقهی و سیر تحول آن‌ها تا ابزارهای مدرن مالی پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که اسناد تجاری از همان صدر اسلام مورد استفاده قرار گرفته و با گذر زمان، در پرتو اصولی همچون لزوم وفای به عهد، حرمت اکل مال به باطل و حمایت از اعتماد عمومی، مشروعیت یافته و زمینه‌ساز ابزارهای حقوقی امروز مانند چک و سفته شده‌اند. نتیجه آنکه اسناد تجاری مدرن نه تنها بیگانه با فقه اسلامی نیستند، بلکه ادامه منطقی همان ابزارها و اندیشه‌های فقهی محسوب می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: اسناد تجاری، فقه اسلامی، مبانی فقهی، حواله، برات، صک، چک و سفته.

مقدمه

موضوع اسناد تجاری به‌عنوان بخشی از نظام حقوق تجارت، جایگاه ویژه‌ای در مبادلات مالی و اقتصادی دارد. در حقوق معاصر، اسنادی چون چک، سفته و برات نقش ابزار پرداخت و تضمین در معاملات را ایفا می‌کنند. پرسش اصلی این است که آیا در فقه اسلامی نیز می‌توان سابقه‌ای برای این اسناد یافت؟ پاسخ به این پرسش، مستلزم واکاوی مفاهیم مشابه در متون فقهی و تاریخی مسلمانان است. در این مقاله، تلاش شده است با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و رجوع به منابع اصیل فقهی و تاریخی، تحولات اسناد تجاری در تمدن اسلامی بررسی شود و با تحلیل آرای فقها، قابلیت انطباق و مشروعیت این اسناد مورد ارزیابی قرار گیرد.

۱. دانشجویی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی (nohamadi ۲۸۸۲۲۴۷@na11.com)

اهمیت موضوع از آن جهت است که امروزه در نظام بانکداری و تجارت اسلامی، نیازمند بازخوانی مبانی فقهی ابزارهای مالی هستیم تا بتوانیم نظامی منطبق با شریعت و همسو با نیازهای معاصر تدوین کنیم.

از انجایی که موضوع مقاله تاریخچه اسناد است در ابتدا لازم است سند و اسناد تجاری را تعریف نموده و تفاوت اسناد تجاری را با اسناد مدنی در فقه بیان کنیم و بعد به تاریخچه بپردازیم.

۱. تعریف سند

سند در لغت به معنای تکیه‌گاه و پشتوانه است (دهخدا)، در اصطلاح فقهی و حقوقی به نوشته‌ای اطلاق می‌شود که برای اثبات یک حق یا ادعا تنظیم می‌گردد؛ به عبارت دیگر سند عبارت است از نوشته‌ای که در اثبات اعمال حقوقی به کار می‌رود در صورتی سند است که بوسیله شخص یا اشخاصی که در ایجاد آنها اثر دارند تنظیم شود (ناصر کاتوزیان، ۱۳۶۴). ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی ایران: «سند عبارت است از هر نوشته‌ای که در مقام دعوا یا دفاع قابل استناد باشد.»

در فقه اسلامی، واژه‌هایی مانند «کتاب»، «کتابت»، «بینه» و «شهادت مکتوبه» نزدیک به مفهوم سند به کار رفته‌اند. به عنوان نمونه، در آیه ۲۸۲ سوره بقره — که به آیه دین مشهور است — امر به کتابت دین آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدَيْنٍ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ».

۲. تعریف اسناد تجاری

سند تجاری، سندی است که قابل معامله و انتقال است و به نفع دارنده آن معرف وجود طلبی در سر رسید کوتاه مدت است و بطور معمول بین تجار، در معاملات مورد استفاده قرار می‌گیرد. (عرفانی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص، ۳۰۰).

اما اسناد تجاری در فقه کلاسیک به عنوان «صُكُّوك» (جمع صَک) شناخته می‌شدند. صک در اصطلاح متون فقهی، نوشته‌ای است که دلالت بر طلب یا دین یا انتقال مالی دارد و در دادوستد مورد استناد قرار می‌گیرد.

در فقه امامیه، تعریفی صریح از اسناد تجاری مدرن وجود ندارد، اما ابزارهایی مانند حواله، برات، قبض دین و نوشتن دین (کتابت دین) به عنوان شکل‌هایی از اسناد مالی شناخته می‌شوند.

۳. تفاوت اسناد تجاری با اسناد مدنی در فقه

اسناد مدنی در فقه بیشتر ناظر بر اثبات یک ادعا یا حق شخصی هستند، در حالی که اسناد تجاری نوعاً قابل انتقال و دارای ویژگی تعهدآور برای ثالث هستند. این خصوصیت اسناد تجاری در حقوق معاصر با عنوان «قابلیت ظهرنویسی و انتقال» شناخته می‌شود، اما در فقه اسلامی نیز ردپای آن در قواعدی مانند «حواله»، «ضمان» و «کفالت» وجود دارد (ر.ک: نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۶، ص ۱۱۳، ۱۶۰، ۱۸۵؛ امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۵، ۳۱ و ۳۴ کتاب ضمان، حواله و کفالت).

پیشینه اسناد در تمدن اسلامی

اسناد مالی در عصر پیامبر (ص) در زمان پیامبر اکرم (ص)، معاملات عمدتاً به صورت شفاهی صورت می‌گرفت، اما در مواردی خاص، نوشتن دین و ثبت کتبی توصیه می‌شد. آیه ۲۸۲ سوره بقره که به آیه «دین» مشهور است، یکی از مستندات اصلی در فقه اسلامی برای اثبات مشروعیت ثبت دین به صورت مکتوب است. در این آیه بدون موارد ضمنی نوزده دستور مهم در مورد داد و ستد مالی بیان شده است (مکارم، ج ۱، ص ۲۵۴). احکام دقیقی در این آیه در مورد تنظیم سند، برای معاملات ذکر شده است، آن هم با ذکر جزئیات در تمام مراحل، که بیانگر توجه عمیقی است که قرآن، نسبت به امور اقتصادی مسلمین و نظم کار آنها دارد، مخصوصاً با توجه به اینکه این کتاب آسمانی در جامعه عقب مانده ای نازل گشت که حتی سواد خواندن و نوشتن در آن، بسیار کم بود و حتی آورنده این قرآن، درسی نخوانده بود و به مکتب نرفته بود، و این خود دلیلی است بر عظمت قرآن از یک سو، و اهمیت نظام اقتصادی مسلمین از سوی دیگر (مکارم، ج ۱، ص ۲۵۴).

استفاده از صک (چک) در زمان خلافت

دردوره اسلامی، استفاده از چک (به معنای حواله پول و کالا)، از دوره خلیفه دوم رواج داشته است. وی دستور داده بود برای تقسیم غنایمی که عمروعاص از مصر به مدینه فرستاده بود، چک هایی نوشته و میان مردم تقسیم شود (یعقوبی، ج ۲، ص ۱۵۴-۱۵۵). چکها را معمولاً روی کاغذ یا پوست می نوشتند (یعقوبی، همان، خطیب بغدادی، ج ۸، ص ۲۷۰). اما در زمان خلافت اموی و به ویژه عباسی، با گسترش نظام دیوانی و افزایش حجم معاملات، از صک (چک اسلامی) به عنوان ابزار پرداخت استفاده می‌شد. در تاریخ طبری آمده است که در زمان خلافت هشام بن عبدالملک،

بیت‌المال به کارگزاران خود به جای پول نقد، صک‌هایی می‌داد که قابل نقد شدن در مراکز دیگر بود.

۳. تحولات در زمان عباسیان

در دوره عباسی، نهادهایی مانند «دیوان المال» و «دیوان الرسائل» به تدوین و تبادل اسناد مالی مشغول بودند.

پس از تشکیل حکومت عباسیان (۱۳۲ - ۶۵۶)، به دلیل استفاده فراوان از پول نقد و نیز رشد تجارت، استفاده از چک بسیار متداول گردید. تجار و ثروتمندان، برای سهولت کار خویش و نیز از بیم غارت شدن اموالشان یا مصادره آن از طرف دولت، به استفاده از چک به جای حمل و نقل پول و کالا رغبت فراوان نشان می‌دادند.

اما یکی از کاربردهای اصلی چک در این دوره پرداخت حقوق و معاشات لشکریان و کارمندان دولت بود.

دارندگان چک باید در روزهای معین برای دریافت وجه آن به دیوان جیش، بیت المال، یا به متولی خراج ولایت مراجعه می‌کردند (طبری، سلسله ۳، ص ۶۰۷ - ۶۰۸).

اقسام اسناد مالی در فقه اسلامی

۱. حواله

حواله یکی از مهم‌ترین ابزارهای انتقال دین در فقه اسلامی است که در بسیاری از موارد، عملکردی مشابه برات در حقوق جدید دارد. در تعریف فقهی، حواله عبارت است از: «نقل دین از ذمه محیل به ذمه محال‌علیه» (نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۶، ص ۱۶۰). برخی فقها عموم ((اوفوا بالعقود)) را در آیه اول سوره مائده، شامل عقد حواله نیز دانسته‌اند، که بر رواج این عقد در عصر تشریع و نقش امضایی شریعت اسلامی دلالت دارد (نجفی همان).

به نظر مشهور فقهای امامی و به تصریح قانونی مدنی ایران، حواله از عقود لازم است، و جز در موارد خاص، دوطرف عقد حق فسخ آن را ندارند (ق. م، ۷۳۲).

۲. برات

برات در فقه اسلامی به عنوان حواله‌ای است که در معاملات تجاری میان مناطق مختلف جغرافیایی برای تسهیل پرداخت به کار می‌رفته است. برات از منظر فقهی با حواله شباهت دارد، اما معمولاً دارای سندی مکتوب با امضای طرفین و تاریخ سررسید بوده است. به سبب شباهت برات به حواله عمده مباحث نظری آن، در فقه بطور عام بیشتر در ضمن مباحث حواله مطرح شده، از لحاظ تاریخی تاجران مسلمان از سده های نخستین اسلامی از اسناد تجاری مشابه برات استفاده می کردند و افرادی به عنوان کاتب برات در ظرایف این کارت مهارت یافته بودند. در متون تاریخی به برخی از شرایط صدور برات، به خصوص برات های دولتی اشاره است؛ از جمله رشیدالدین فضل الله از ضرورت مهر شدن برات با ((آل تمغا)) و برخی شرایط دیگر سخن گفته است (۱/۶۹۲، ۲ / ۱۱۱۲) (رشیدالدین فضل الله ، جامع التواریخ).

در برخی متون حنفی، برات به عنوان «حواله تجاری» شناخته شده و در آثار ابو یوسف و محمد بن حسن به آن اشاره شده است.

۳. قبض دین

در حقوق اسلامی، دین ، مالی است کلی که در ذمه شخصی برای شخص دیگر به سببی از اسباب، ثابت است (موسوعه الامام خمینی، ج ۲۲، کتاب الدین). قبض دین یا رسید دریافت بدهی، از دیگر اسناد معتبر در فقه است. این واژه در فقه و حقوق به معنای واحد و مشابهی به کار می رود و به طور کلی ، اصطلاح قبض حقیقت شرعیه ندارد بلکه بر معنای لغوی و عرفی خود باقی است و در کتاب یا سنت یا موارد اجماع، هر جا که لفظ قبض استفاده شده ، در حقیقت به معنای عرفی آن رجوع می کند که همان استیلای عرفی و استقلال است ، چه به وسیله دست صورت گیرد ، چه با خط نوشته شود. امام خمینی در تحریرالوسیله می نویسد: قبض و تسلیم - در چیزی که منقول نیست مانند خانه و مزرعه - تخلیه آن است؛ با دست برداشتن از آن و برطرف نمودن چیزهایی که منافات با تخلیه دارد و اذن دادن وی به طرفش که تصرف کند به طوری که تحت سیطره و اختیار او قرار بگیرد (موسوعه الامام خمینی، ج ۲۲، القول فی القبض، والتسلیم، تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۵۰۸).

۴. صک

واژه صک (چک اسلامی) به معنای نوشته‌ای است که دلالت بر طلب یا انتقال مال دارد. صک‌ها در دوره عباسی شکلی رسمی پیدا کردند و مورد پذیرش قاضیان و دیوان‌ها قرار گرفتند؛ صک‌ها با مهر حاکمان یا دیوانیان رسمیت می‌یافت و در بازار به گردش در می‌آمدند.

۵. بیع دین و انتقال مطالبات در فقه اسلامی

در فقه اسلامی اصل بر عدم جواز بیع دین به دین است، یعنی هرگاه در عقد بیع تسلیم مبیع و پرداخت ثمن هر دو زماندار باشد، بیع را بیع دین به دین می‌گویند. از دیدگاه فقهی به استناد احادیث (از جمله روایت طلحه بن زید از امام صادق علیه السلام: لا یباع الدین بالدین) باطل است (نجفی، ج ۲۴، ص ۳۴۷؛ حسینی عاملی، ج ۴، ص ۴۲۵).

اما انتقال دین از طریق حواله یا ضمان جایز دانسته شده است. به همین دلیل، فقها راه‌هایی برای انتقال مطالبات ارائه داده‌اند که می‌توانند به عنوان پشتوانه نظری اسناد تجاری به شمار روند؛ انتقال دین در فقه اسلامی، به معنای انتقال یک تعهد مالی یا دین از یک فرد به فرد دیگر است. این انتقال، به طور کلی، با دو روش انجام می‌شود: ضمان و حواله. ضمان به معنای تعهد شخص دیگری به پرداخت دین، در صورت عدم پرداخت توسط بدهکار اصلی است. حواله نیز به معنای انتقال دین از بدهکار به شخص ثالث، به عنوان جایگزین بدهکار اصلی است.

نکات مهم:

۱. انتقال دین، به عنوان یک عمل حقوقی، نیاز به رعایت شرایط خاصی دارد که در فقه و قوانین مدنی ذکر شده است.
۲. ضمان و حواله به عنوان دو راهبرد برای انتقال تعهد، در فقه اسلامی و قوانین مدنی پذیرفته شده‌اند.

مبانی فقهی مشروعیت اسناد تجاری

۱. اصل صحت و لزوم وفای به عهد

یکی از اصول بنیادین فقه اسلامی که مشروعیت اسناد تجاری بر آن استوار است، اصل صحت و اصل لزوم وفای به عهد است. قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده: ۱).

بر اساس این اصل، هر تعهد مالی که میان طرفین با رضایت برقرار شود، معتبر است مگر آنکه دلیلی بر بطلان آن اقامه شود؛ فاضل نراقی می گوید: مشهور فقها برای اثبات اصل لزوم به این آیه تمسک کرده اند (عوائدالایام، ص ۵). شیخ انصاری، وجوب وفا را حکمی تکلیفی می داند که از آن فساد فسخ و لزوم عقد انتزاع می گردد (المکاسب، ص ۲۱۵).

۲: قاعده کتابت و توثیق دین

یکی از مهم ترین مبانی فقهی که مشروعیت اسناد تجاری نوین مانند چک، سفته و برات را تأیید می کند، قاعده «کتابت و توثیق دین» است. این قاعده که مستند صریح قرآنی دارد، نقش حیاتی در تثبیت و اثبات تعهدات مالی میان افراد ایفا می کند. خداوند در طولانی ترین آیه قرآن کریم، به صراحت دستور می دهد که اگر میان شما معامله ای بر پایه دین (بدهی) واقع شد، آن را مکتوب نمایید.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدَيْنٍ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ...» (بقره، ۲۸۲). ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده اید، هرگاه دینی تا سررسید معینی به یکدیگر داد و ستد کردید، آن را بنویسید...».

توصیه قرآن بر نگارش دین به منظور جلوگیری از اختلافات و تضییع حقوق مالی افراد است؛ فقها تصریح کرده اند که گرچه نوشتن دین واجب شرعی نیست، اما به شدت مستحب مؤکد و مورد توصیه است، زیرا که کتابت، وسیله ای عقلایی برای اثبات دین محسوب می شود و مانع بروز اختلافات احتمالی می شود.

آیت الله مکارم شیرازی می گوید: در این آیه نوزده دستور مهم در مورد داد و ستد مالی بیان شده است (مکارم، شیرازی، ج ۱، ص ۲۵۲).

چند نکته در این آیه قابل ذکر است که با شرایط صحت اسناد تجاری امروزی هم کاملاً مطابقت دارد؛

۲.۱ تعیین سررسید

عبارت «إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى» در آیه بیانگر ضرورت تعیین دقیق مدت بدهی است. این خصوصیت با ماهیت اسناد تجاری مانند سفته و برات که تاریخ سررسید مشخص دارند، کاملاً منطبق است.

۲,۲ نویسنده عادل

در ادامه آیه آمده است: «وَلْيَكْتُبْ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ»، به این معنا که نگارش سند باید توسط فردی عادل و بی طرف انجام شود. این موضوع می تواند مؤید استفاده از دفاتر اسناد رسمی یا سامانه های ثبت الکترونیکی در تنظیم اسناد تجاری باشد.

۲,۳ لزوم پرهیز از ضرر

در آخرین حکمی که در این آیه ذکر شده می فرماید: «هیچ گاه نباید نویسنده سند و شهود (به خاطر ادای حق و عدالت) مورد ضرر و آزار قرار گیرند» (وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ)، (مکارم، همان).

۳. قاعده «الناس مسلطون علی أموالهم»

این قاعده مشهور فقهی که در روایات متعددی آمده ، مانند روایت امام صادق علیه السلام ، سماعه که از یاران امام صادق (ع) بوده است ، نقل می کند که از آن حضرت پرسیدم : آیا شخص صاحب اولاد می تواند مال خود را به خویشاوند (غیر وراث) خود وا گذار کند؟ حضرت در پاسخ فرمودند: ((هو ماله، یصنع ماشاء به الی ان یاء تیه الموت)) ، یعنی مال از آن اوست، و مادام که زنده است هرکاری که بخواهد می تواند با آن بکند(وسائل الشیعة، ج ۱۳، باب ۱۷، احکام وصایا)، سلطه و اختیار مالک نسبت به مال خود به خوبی از این روایت استنباط می شود. (محقق داماد، قواعد فقه، ص ۲۲۹).

پس این قاعده می تواند، مبنایی برای اعتبار انتقالات و تعهدات مالی، از جمله اسناد تجاری باشد؛ بر اساس این قاعده، مالک حق دارد به هر شکل متعارف در مال خود تصرف کند، از جمله از طریق تنظیم سند، حواله، یا انتقال دین.

۴. سیره عقلا و تأیید شارع

سیره عقلا یکی از منابع استنباط حکم شرعی در اصول فقه است. بنای عقلا یکی از دلایل و مستندات مهم مشروعیت معاملات متداول در میان مردم شناخته می شود. سیره عقلایی مردم بر استفاده از اسناد مکتوب برای اثبات دیون و تعهدات، مورد تأیید شارع قرار گرفته و هیچ نهی ای از سوی شارع در این باره وجود ندارد؛ به نظر طباطبائی یزدی، دلیلی برای انحصاری معاملات در

عقود مُعین وجود ندارد، بلکه هر معامله عقلایی صحیح است مگر آنکه با دلیل خاص از شمول ادله عام خارج شده باشد (یزدی ، ج ۲، ص ۷۱۰ - ۷۱۱، مسئله ۲)؛ به نظر مشهور اصولیون برای حجت بودن بنای عقلا، اثبات امضا و تایید صریح و خاص شارع ضروری نیست، بلکه صرف عدم منع (= ردع) شارع از یک سیره عقلایی، بیانگر رضایت و امضای شارع نسبت بدان سیره است (انصاری، ص ۱۶۴؛ آخوند خراسانی، ج ۲، ص ۹۸ - ۹۹).

بر اساس تحلیل های فوق، استفاده از ابزارهای مالی نوین و اسناد تجاری مانند، برات، چک، سفته و غیره که منطبق با سیره عقلا است، مشروع و جایز است.

بررسی تطبیقی اسناد تجاری سنتی و ابزارهای نوین مالی

۱. مقایسه حواله و برات با حواله بانکی مدرن در فقه اسلامی

حواله وسیله‌ای برای انتقال دین از یک شخص به دیگری است که در برخی موارد، کارکردی مشابه با حواله بانکی دارد. در حواله سنتی، وجود رضایت طرفین و تعیین بدهکار ثالث لازم است. در نظام بانکی امروز، حواله بانکی نیز انتقال وجوه از حساب یک مشتری به دیگری است. اگرچه سیستم اجرای حواله بانکی مبتنی بر مقررات بانکی است، اما مبنای آن، همان انتقال دین بوده و از منظر فقهی، تابع قواعد حواله است. گرچه فقها و حقوقدانان در خصوص ماهیت حقوقی حواله نظریاتی متفاوت مطرح کرده اند. برخی حواله را معاوضه دو دین میدانند و بر این باورند که دین محیل به محتال با دین محال علیه به محیل معاوضه می شود (عبدی پور، ۱۴۰۱، ص ۳۴)، بعضی از فقها معتقدند حواله موجب تحول و جابجایی دو دین، یا طلب می شود، در واقع تبدل یا مبادله دو طلب است (نجفی، ج ۲۶، ص ۱۶۳).

۲. تطبیق صک با چک و سفته

صک در نظام فقهی اسلامی، نوشته‌ای بود که با مهر و امضای صادرکننده دلالت بر پرداخت یا طلب داشت. این مفهوم بسیار شبیه چک امروزی است. بیشتر فقها ماهیت چکهای عادی را مانند حواله و آنها را مشمول احکام حواله دانسته‌اند (بحرالعلوم، ص ۱۱۶-۱۱۷؛ مکارم شیرازی، ج ۲، ص ۱۹۵؛ محمد احمد سراج، ص ۷۱). به نظر آنها، چک مانند دیگر اوراق تجاری، نوعی سند دین یا وثیقه دین است و به مثابه اوراق مالی، مال نقد محسوب نمی‌شود (رجوع کنید به گلیپگانی، ج ۲، ص ۳۹؛ طباطبائی حکیم، ج ۲، ص ۲۰۹؛ موسوی اردبیلی، ج ۱، ص

۲۰۲؛ تبریزی، ج ۲، ص ۱۷۱-۱۷۲؛ عبدالله بن سلیمان، ص ۱۶۲-۱۶۳)، البته چکهای تضمینی، مانند اسکناس، مال نقد به شمار می‌روند (توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۶۴۹). همچنین سفته که تعهد پرداخت در آینده است، از نظر فقهی می‌تواند ذیل عقد ضمان یا تعهد ابتدایی قرار گیرد.

۳. پشت نویسی و انتقال اسناد در فقه

انتقال دین از طریق حواله یا ضمان پذیرفته شده است. در اسناد تجاری امروزی مانند برات، چک و سفته، پشت نویسی معادل انتقال طلب یا حواله به شخص ثالث است.

در نظریه های که درباره ماهیت اسناد تجاری مطرح شده است، یکی از نظریه ها، نظریه انتقال طلب است؛ بر اساس این نظریه، سند تجاری انتقال طلب است و دارنده آن می تواند طلب را از مدیون مطالبه کند.

به عبارت دیگر، دهنده این سند به عنوان طلبکار، طلب خود را به وسیله سندی که از مدیون گرفته، به دارنده سند منتقل می کند (ستوده تهرانی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۲۱؛ شهیدی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۱). هم چنین بر اساس نظریه حواله، برات نوعی حواله دانسته شده؛ بدین صورت که برات دهنده (محیل) به دارنده برات (محال له یا محتال) حواله می دهد که طلب خود را (وجه برات) از براتگیر (محال علیه) بگیرد (یزدی، طباطبائی، ۱۴۱۵ ق، ص ۲۵۳؛ اخلاقی، ۱۳۷۱، ص ۱۸۲).

برخی از فقها معتقد اند که حواله در واقع مبادله و معاوضه دو طلب است؛ زیرا موجب جابجایی دو دین می شود (نجفی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۶، ص ۱۶۳).

۴. اعتبار امضای دیجیتال از نظر قانون و فقه اسلامی

با توسعه تکنولوژی، ابزارهایی مانند امضای دیجیتال برای تایید اسناد مالی به کار می‌رود. طبق ماده ۱۰ قانون تجارت الکترونیک، جمهوری اسلامی ایران - امضای الکترونیکی مطمئن باید دارای شرایط زیر باشد:

الف - نسبت به امضاء کننده منحصر به فرد باشد.

ب - هویت امضاء کننده «داده پیام» را معلوم نماید.

ج - به وسیله امضاء کننده و یا تحت اراده انحصاری وی صادر شده باشد.

د - به نحوی به یک «داده پیام» متصل شود که هر تغییری در آن «داده پیام» قابل تشخیص و کشف باشد. (قانون تجارت الکترونیک، ۱۳۸۲). و هم چنین ماده چهارده هم این قانون می گوید: کلیه «داده پیام» هائی که به طریق مطمئن ایجاد و نگهداری شده اند از حیث محتویات و امضای مندرج در آن، تعهدات طرفین یا طرفی که تعهد کرده و کلیه اشخاصی که قائم مقام قانونی آنان محسوب می شوند، اجرای مفاد آن و سایر آثار در حکم اسناد معتبر و قابل استناد در مراجع قضائی و حقوقی است (همان).

پس طبق ماده ۱۰ و ۱۴ قانون تجارت الکترونیکی جمهوری اسلامی ایران، امضای دیجیتال همانند امضای دستی دارای اعتبار قانونی است و به عنوان یک سند رسمی در مراجع قضایی قابل قبول است؛ از منظر فقهی نیز، اگر امضا یقین آور و قابلیت انتساب به شخص را داشته و قرائن کافی برای احراز صحت آن وجود داشته باشد، می تواند مشمول «بیّنه» یا «قرینه معتبره» گردد (امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۹۴، مجمع المسائل ج ۳، ص ۱۴۱).

۵. ارزش اثباتی اسناد تجاری نوین در فقه

اسناد مالی نوین، اگر دارای شرایطی نظیر رضایت طرفین، اثبات دیون مشخص، امکان انتساب به شخص و مطابقت با قواعد عام فقهی باشند، از نظر فقهی قابل اعتبارند. بسیاری از فقها، اعتبار این اسناد را از باب «سیره عقلایی» و «لزوم وفای به عقد» تأیید کرده اند.

دیدگاه فقه امامیه و اهل سنت درباره اسناد تجاری

۱. فقه امامیه

فقه های امامیه عمدتاً اسناد تجاری را از منظر عقود و تعهدات شرعی بررسی کرده اند. آنان مشروعیت حواله، ضمان، کتابت دین و شهادت مکتوب را پذیرفته و در بسیاری از موارد، تعهدات ناشی از اسناد مکتوب را معتبر دانسته اند.

امام خمینی در «تحریر الوسیله» تصریح می کند که در صورت وجود قرائن کافی، مثل امضا سند می تواند حجیت شرعی داشته باشد. (خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۹۴).

بیشتر فقها اسناد تجاری را نوعی حواله میدانند ((الصکّ حواله علی آیه حال، و المعامله تصحّ إذا كان الدفع إمّا نقداً أو نسيئة مع تعيين الموعد، و لا يكفي الصکّ للمعامله ما لم یعیّن تاریخه. و إذا كان قد أضرّ بنفسه عالماً فلیس له تعویض)). (مکارم شیرازی، الفتاوی الجدیده، ج ۲، ص ۱۹۵) ؛ اکثر فقهای معاصر امامیه معتقد اند که اسناد تجاری فی نفسه مالیت ندارند (مجمع المسائل، ج ۲، ص ۳۹)، به نظر آن ها اوراق تجاری، نوعی سند دین یا وثیقه دین است و به مثابه اوراق مالی، مال نقد محسوب نمی شود؛ زیرا برای این اسناد مالیت در نظر گرفته نشده، این اسناد تنها دلیل اثبات طلب، مبلغی است که در سند نوشته شده و بیانگر دین صادر کننده آن است (فیاض، بی تا، ص ۵۳؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۷ق، ص ۷۵۸؛ خوی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۱۷).

۲. فقه اهل سنت

دیدگاه فقه اهل سنت نسبت به اسناد تجاری (مانند چک، سفته، برات) نیز، مانند فقه امامیه، مبتنی بر تلاش برای انطباق این نهادهای مدرن با اصول کلی شریعت اسلامی است. فقهای اهل سنت معمولاً این اسناد را در قالب هایی چون حواله، تعهد، کفالت، و وکالت تحلیل کرده اند. این درحالی است که بیشتر فقهای اهل سنت و شماری از فقهای امامی عقد حواله را انتقال حق از ذمه شخصی به شخص دیگر تعریف کرده اند (شمس الاثمه سرخسی، ج ۲۵، ص ۱۲۳؛ ابن حمزه، ص ۲۸۲؛ کاسانی، ج ۶، ص ۱۷؛ ابن قدامه، ج ۲، ص ۳۴۲). محقق حلی، قید «مدیون بودن محالّ علیه به محیل» را نیز به این تعریف افزوده است (ج ۲، ص ۱۱۲).

فقها و حقوق دانان معاصر اهل سنت حواله را بر دو نوع دانسته اند: الف) حواله مقید، یعنی حواله ای که در آن محیل قید می کند محالّ علیه دین موضوع حواله را از محل دینی که به محیل دارد یا از عین متعلق به محیل که به گونه غصبی یا امانی نزد اوست، بپردازد. ب) حواله مطلق، که چنین قیدی ندارد. حواله بر بری را — که از جمله مصادیق حواله مطلق به شمار می رود — فقهای حنفی پذیرفته اند، ولی فقهای دیگر مذاهب اهل سنت، آن را نوعی کفالت دانسته اند (سنهوری، ج ۳، ص ۴۴۰-۴۴۱؛ زحیلی، ج ۵، ص ۱۶۸).

۳. نقاط افتراق و اشتراک

در فقه امامیه، تأکید بیشتری بر شرایط صحت عقد، نیت طرفین و ادله اثباتی وجود دارد؛ در حالی که اهل سنت در برخی مذاهب به ویژه حنفیه، کاربرد عرفی و گسترده اسناد مالی را به

رسمیت شناخته و عملاً بستر گسترده‌تری برای پذیرش ابزارهای تجاری فراهم آورده‌اند. با این حال، هر دو نظام فقهی، در صورت وجود شرایط عمومی صحت معامله، اعتبار اسناد تجاری را می‌پذیرند.

برایند پژوهش

فقه اسلامی با برخورداری از انعطاف‌پذیری و قواعد عام، توانایی پاسخ‌گویی به تحولات مالی و تجاری جدید را دارد. شناخت تاریخچه و مبانی فقهی اسناد تجاری می‌تواند مسیر توسعه و بومی‌سازی نظام مالی اسلامی را هموار سازد. پیشنهاد می‌شود مراکز علمی، حوزه‌های علمیه و قانون‌گذاران با بازنگری مستمر در ادبیات فقهی و تعامل با نهادهای اقتصادی، گامی مؤثر در توسعه فقه تجارت بردارند.

منابع

قرآن کریم

۲. یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، ج ۲، انتشارات علمی و فرهنگی

۳. موسوی خمینی، روح الله، تحریرالوسیله، ج ۱ و ۲، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۳. نجفی، محمد حسن، ۱۴۰۴ق، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۴. کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، چاپ ۶.

۵. یزدی، کاظم طباطبائی، العروه الوثقی، تهران، بی تا

۶. انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، چاپ عبدالله نورانی، قم ۱۳۶۵ ش

۷. الحائری، سید کاظم، القضاء فی الفقه الاسلامی، ج ۱.

۹. دائره المعارف، قرآن کریم، ج ۳، نشر، بوستان کتاب، چاپ اول

۱۰. محقق داماد، سید مصطفی، ۱۳۸۲، قواعد فقه، چاپ دهم نشر علوم اسلامی

۱۱. برگزیده تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و جمعی از فضلا، تنظیم احمد علی بابایی، تهران:

دارالکتب اسلامیه، ۱۳۸۶ش

۱۲. ناصر مکارم شیرازی، الفتاوی الجديدة ج ۲، ۱۴۲۴ قم، چاپ ابوالقاسم علیان نژاد و کاظم خاقانی.
۱۳. گلپایگانی، سید محمد رضا، ۱۴۰۹ق، مجمع المسائل، دارالقران کریم، قم.
۱۴. عبدی پور، ابراهیم، ۱۴۰۱، مباحث تحلیلی از حقوق تجارت، چاپ هفدهم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
۱۵. اخلاقی، بهروز، ۱۳۷۱، جزوه حقوق تجارت (۳)، تهران، بی تا
۱۶. شهیدی، مهدی، ۱۳۸۶، تشکیل قرار دادها و تعهدات، تهران، مجد.
۱۷. ستوده تهرانی، حسن، ۱۳۸۶، حقوق تجارت، چاپ یازدهم، تهران، داد گستر.
۱۸. عرفانی، محمود، ۱۳۷۳، حقوق تجارت، ج ۱، تهران، ماجد.
۱۹. قانون تجارت الکترونیک، مصوب، ۱۳۸۲
۲۰. وحید خراسانی، حسین، ۱۴۲۷ق، توضیح المسائل، چاپ نهم، قم، مدرسه امام باقر(ع).
۲۱. خوی، سید ابوالقاسم، ۱۴۱۰ق، منهاج الصالحین، چاپ بیست و هشتم، قم، مدینه العلم.
۲۲. فیاض، محمد اسحاق، بی تا، احکام البنوک والاسهام والسندات و الاسواق المالیه، قم، مکتب الشیخ محمد اسحاق فیاض.
۲۳. محمد بن احمد شمس الاثمه سرخسی، المبسوط، بیروت، ۱۴۰۶
۲۴. محقق حلّی، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، چاپ عبدالحسین محمدعلی بقال، نجف ۱۳۸۹؛ مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
۲۵. الطباطبائی، السید علی، ریاض المسائل فی بیان أحكام الشرع بالدلائل، ۱۴۱۹ق، چاپ اول، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین، قم.
۲۶. عبدالرزاق احمد سنهوری، الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، بیروت.
۲۷. وهبه مصطفی، زحیلی، الفقه الاسلامی و ادلّته، دمشق ۱۴۰۴؛

۲۸. ابن حمزه، الوسيلة الى نيل الفضيلة، ۱۴۰۸، چاپ محمد حسون، قم.
۲۹. ابن قدامه، المغنی، ۱۴۰۳ق، چاپ افست بیروت.
۳۰. ابوبکر بن مسعود کاسانی، کتاب بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ۱۴۰۹، کویت.
۳۱. الشیخ حسن الجواهری، بحوث فی فقه المعاصر، دار الذخائر، بیروت، لبنان.
۳۲. عزالدین بحر العلوم، بحوث فقهیه، ج ۱، تقریرات درس آیة الله حسین حلی، ۱۴۱۵، (بیروت).
۳۳. محمد احمد سراج، الاوراق التجارية فی الشريعة الاسلامیة، ج ۱، ص ۷۱، قاهره ۱۹۸۸.
۳۴. محمد سعید طباطبائی حکیم، منهاج الصالحین، ج ۲: المعاملات، قسم ۱، بیروت ۱۴۱۶/۱۹۹۶.
۳۵. توضیح المسائل مراجع: مطابق با فتاوی دوازده نفر از مراجع معظم تقلید، گردآوری محمد حسن بنی هاشمی خمینی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۳۶. عبدالکریم موسوی اردبیلی، استفتائات، ج ۱، قم ۱۳۷۷ ش.
۳۷. ابوالقاسم خوئی و جواد تبریزی، صراط النجاة: استفتاءات لآیة الله العظمی الخوئی مع تعلیقه و ملحق لآیة الله العظمی التبریزی، قم ۱۴۱۶-۱۴۱۸.
۳۸. عبدالله بن سلیمان بن منیع، «بحث فی تحدید صیغه القبض، و هل قبض الشیكات يعتبر قبضاً؟»، مجله البحوث الاسلامیة، ش ۲۶ (ذیحجه ۱۴۰۹ - صفر ۱۴۱۰).
۳۹. محمد بن الحسن الحرّ العاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۳، باب ۱۷، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث - قم.
۴۰. رشیدالدین فضل الله، جامع التواریخ، چاپ محمد روشن و مصطفی موسوی، تهران ۱۳۷۳ ش.
۴۱. حسینی عاملی، محمد جواد، ۱۴۱۹. مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة. قم - ایران: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم. مؤسسه النشر الإسلامی.
۴۲. فاضل نراقی، عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام.
۴۳. ابوجعفر محمد بن جریر، طبری، تاریخ الامم والرسل والملوک، مشهور به تاریخ طبری.

۴۴. موسوعه الامام الخميني، ج ۲۲، كتاب البيع، القول في القبض و التسليم، مساله ۱، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني، ۱۳۹۹ ه ش.